

تحلیل زبان‌شناختی واژه‌های «حمد» و «شکر» در آیات قرآن کریم بر پایه الگوی ارتباطی یا کوبسن و رده‌بندی کولماس

روح الله یعقوبی^۱
عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا^۲

چکیده

در پژوهش حاضر از دو الگوی زبان‌شناختی برای تحلیل آیاتی که به عمل شکرگزاری اشاره کرده‌اند، استفاده شد. ابتدا الگوی ارتباطی یا کوبسن (۱۹۶۰)، برای رابطه بین خالق هستی و مخلوق به کار گرفته شد. در این الگو به طور معمول پیام‌رسانی بین فرستنده و گیرنده پیام در ارتباط بین انسان‌ها تحلیل می‌شود. همچنین، انواع شکرگزاری در آیات قرآن کریم با استفاده از الگوی رده‌بندی کولماس (۱۹۸۱) بررسی شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارها و تارنماهای مربوط، از قرآن کریم و ترجمه آن استخراج گردید. در این پژوهش فقط آیاتی که در آنها حمد و شکر در قالب انجام عمل شکرگزاری به کار رفته‌اند مدنظر بوده است. از نظر فراوانی مشخص شد که دو واژه حمد و شکر به ترتیب ۶۸ و ۷۵ بار در قرآن کریم ذکر شده است، که از این میان فقط در آیات ۳۰ و ۱۵۸ سوره بقره، آیه ۳ سوره اسراء و آیه ۱۳ سوره رعد به عمل حمد و شکرگزاری اشاره شده است، که به بیان دیگر رابطه‌ای بین دو طرف شاکر و مشکور فرض شده است. در این ۴ آیه، فرشتگان، خداوند متعال، حضرت نوح (ع)، و رعد، در مقام فرستنده پیام یا شکرگزار ظاهر شده‌اند. همچنین مشاهده شد که این چهار نوع شکرگزاری با توجه به رده‌بندی کولماس، در طبقه اول و سوم انواع شکرگزاری قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: الگوی یا کوبسن، رده‌بندی کولماس، حمد و شکر، قرآن، زبان‌شناسی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۱

yaqubi.ruhollah@gmail.com

۱- نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

akord@modares.ac.ir

۲- عضو هیات علمی و دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

حمد و شکرگزاری، یک نشانه‌ی عاطفی و ویژگی اخلاقی مثبت در افراد متعهد مذهبی است. آن‌ها به نعمت‌ها به عنوان هدیه‌هایی از جانب خدا نگاه می‌کنند و خداوند را به عنوان اولین دلیل این نعمت‌ها شایسته قدردانی می‌دانند. طبق آیه شریفه ۷ سوره ابراهیم، با انجام شکرگزاری، نعمت افزون می‌شود. اهمیت شکرگزاری به حدی است که آیه سوم سوره نساء، انسان‌ها را بر این اساس به دو گروه شکرگزار و ناسپاس تقسیم می‌کند. به لحاظ روانشناسی مثبت‌نگر، شکرگزاری به عنوان یک هیجان مثبت قلمداد می‌شود که مؤلفه‌های شناختی نیز دارد (کلر^۳ و همکاران، ۱۹۸۷). مطالعات مرتبط در این زمینه نشان داده‌اند که دین عاملی مهم و اثربخش در سلامت روانی و درمان بیماری‌های روانی است و باورهای مذهبی در کاهش خطر ابتلا به اختلالات روانی مؤثر است (اسدی^۴ و همکاران ۲۰۱۴: ۲۱-۳۰). از آنجا که نعمت‌ها بی‌شمار هستند، شکرگزاری آنها نیز بی‌نهایت و از توان انسان خارج است. مسئله لزوم شکر و مزایای آن از چنان اهمیتی برخوردار است که از آن برای اثبات ضرورت خداشناسی استفاده شده است (مکالو^۵ و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۱۲). با وجود این که در قرآن و در فرهنگ اسلام، به شکرگزاری از خداوند متعال اهمیت زیادی داده شده است، در بررسی آن کمتر به بحث زبان‌شناختی حمد و شکر پرداخته شده است. در این پژوهش با رویکردی زبان‌شناختی در چارچوب الگوی ارتباطی یاکوبسن (۱۹۶۰)^۶ و رده بندی کولماس^۷ (۱۹۸۱) به تبیین نقشی و معنایی دو واژه حمد و شکر در آیات قرآن پرداخته می‌شود. به دیگر سخن، به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که تاکید آیات قرآن کریم در مساله حمد و شکر و تکرار آن‌ها بر چه مبنایی است؟ و کدام یک از آیات شکر و حمد را می‌توان بر پایه الگوهای ارتباطی یاکوبسن و رده‌بندی کولماس بررسی کرد؟ به این منظور ارتباط خالق هستی و مخلوقات، از طریق مطالعه زبان‌شناختی دو واژه شکر و حمد در آیات قرآن کریم، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بررسی ادبیات موضوع، مفاهیم حمد و شکر، و در بخش مبانی نظری، الگوی ارتباطی یاکوبسن و رده‌بندی کولماس توضیح داده شده است. همچنین پیشینه تحقیق و روش‌شناسی پژوهش به طور مختصر بیان گردیده و در ادامه یافته‌های پژوهش تحلیل شده‌اند.

3. Clore

4. Asadi

5. Mccullough

6. Jakobson

7. Coulmas

۲- ادبیات پژوهش

در این بخش، مفاهیم و مبانی نظری و چارچوب مورد استفاده در تحلیل داده‌ها مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲-۱- مفاهیم حمد و شکر

حمد به معنای ستودن، ستایش، ثنا گوئی، مدح، و تعریف کردن است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ۱۷۴). مفهوم حمد ترکیبی از مفهوم مدح و شکر است. خداوند متعال به خاطر کمال و جمالش شایسته ستایش، و به خاطر احسان و نعمت‌هایش لایق سپاس است (قرائتی، ۱۳۹۵: ۱). **شکر** یعنی ثناگوئی در مقابل نعمت. متضاد آن کفر به معنی نسیان و پوشاندن نعمت است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۶۲). درباره ارتباط و تفاوت شکر با حمد نظرهایی مطرح شده است. شکر در برابر نعمت خاصی با زبان، قلب و دیگر اعضای بدن انجام می‌گیرد؛ در این صورت، حمد با زبان یکی از مصادیق شکر محسوب می‌شود (زمخشری ۱۴۰۷، ج ۱: ۸). همچنین حمد، ستایش نیکو و زیبا به قصد تعظیم در برابر نعمت و غیر نعمت بوده، حال آن که شکر سپاسی است به قصد تعظیم در برابر نعمت (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۹). طبری درباره نسبت حمد با شکر نیز، این دو واژه را مترادف می‌داند، به این دلیل که در تعبیر «الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا»، شکراً مفعول مطلق است که نشانه هم‌معنایی این دو واژه است. شیخ طوسی نیز همین نظر طبری را ارائه کرده است (همان).

۲-۲- مبانی نظری

در شکرگزاری، بین فرد شکرگزار و کسی که از او تشکر شده، نوعی ارتباط برقرار می‌گردد و در پرتو این رابطه، خدمتی به شکرگزار می‌رسد. انسان شاکر نیز به خاطر دریافت نعمات بی‌شمار از جانب خالق هستی، دست به شکرگزاری می‌زند. این رابطه‌ی دو جانبه‌ی بین انسان (به عنوان شکرگزار) و پروردگار (به عنوان شکرشونده) را می‌توان به کمک الگوهای ارتباطی که در پژوهش‌های مرتبط ارائه شده است، بررسی کرد. یکی از اولین الگوهایی که در زمینه موقعیت ارتباطی ارائه گردید، مربوط به فردیناند دو سوسور^۸ است (حری، ۱۳۸۷: ۷۲)، که در آن از مفهوم نشانه برای برقراری ارتباط بین فرستنده و گیرنده استفاده می‌شود. در این الگو، فرستنده، اندیشه‌ی ذهنی خود را از طریق اصوات برای گیرنده ارسال می‌کند و او هم به همین ترتیب، اصوات دریافتی از فرستنده را به نشانه‌های

ذهنی تبدیل کرده و با او ارتباط برقرار می‌کند. اما این ارتباط بر این پیش فرض استوار است که فرستنده و گیرنده هر دو به یک زبان سخن می‌گویند. بعد از این الگو، شانون و ویور^۹ (۱۹۴۹) با این استدلال که راه ارتباطی بدون سر و صدا وجود خارجی ندارد، با وارد کردن عنصر خشه یا اغتشاش^{۱۰} که در الگوی ارائه شده توسط سوسور نادیده گرفته شده بود، آن را کامل می‌کنند. در هر نوع ارتباط حداقل سه عنصر اساسی منبع (فرستنده پیام)، مقصد (گیرنده پیام) و خود پیام نیاز است. گذرگاه و وسیله ذخیره و انتقال پیام را کانال (راه یا مجرا) می‌نامند. منبع، برای این که بتواند ارتباط برقرار کند، ابتدا پیام را رمزگذاری می‌کند، و مقصد پیام مورد نظر را پس از عبور آن از مجرای معین دریافت، رمزگشایی و تفسیر می‌نماید. در این مرحله، پیام تحت تأثیر شرایط درونی و بیرونی، پیش‌انگاشت‌ها و نگرش گیرنده پیام قرار می‌گیرد؛ لذا در مراحل انتقال پیام عوامل مختلف مزاحمی تحت عنوان «خشه یا اغتشاش» بر پیام در حال انتقال تأثیر می‌گذارند. مجرا باید ظرفیت کافی و قابلیت مناسب برای ارسال پیام را داشته باشد و پیام - که در قالب رمزها و علائم ارسال می‌شود - نیز برای گیرنده قابل فهم باشد (اسکرام^{۱۱}، ۱۹۹۷: ۵۱-۵۴). شایان ذکر است که مدل شانون و ویور بیشتر به وجوه فنی و کارکرد ریاضی ارتباط اشاره دارد (مختاری و آزاد، ۱۳۸۷: ۲۵۹). در ادامه، مولز^{۱۲} مفهومی به نام رمزگذاری و رمزگشایی را مطرح کرد (دروشه^{۱۳}، ۱۹۸۷). بعدها بوهلر^{۱۴} برای عناصر ارتباطی سه نقش (اول شخص یا فرستنده، دوم شخص یا گیرنده، و سوم شخص یا موضوعی که درباره آن صحبت می‌شود) را در نظر گرفت (بوهلر، ۱۹۹۰: ۳۵) که الگوی ارتباطی یاکوبسن از همین الهام گرفته است و در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲-۱- الگوی ارتباطی یاکوبسن

یکی از مشهورترین انگاره‌های موقعیت ارتباطی، الگوی یاکوبسن است. یاکوبسن (۱۹۶۰) بیان می‌کند که ارسال پیام نیاز به زمینه‌ای دارد که بتوان آن را در قالب کلام بیان کرد تا مخاطب بتواند آن را به روشنی دریابد. همچنین به یک رمز نیاز است، یعنی به نظامی از هنجارها و قواعد که یا به تمام و کمال و یا دست کم جزئی، میان گوینده و مخاطب مشترک است. سرانجام این که، پیام به راه ارتباطی

9. Shannon and Weaver

10. Noise

11. Schramm

12. Moles

13. Desrochers

14. Bühler

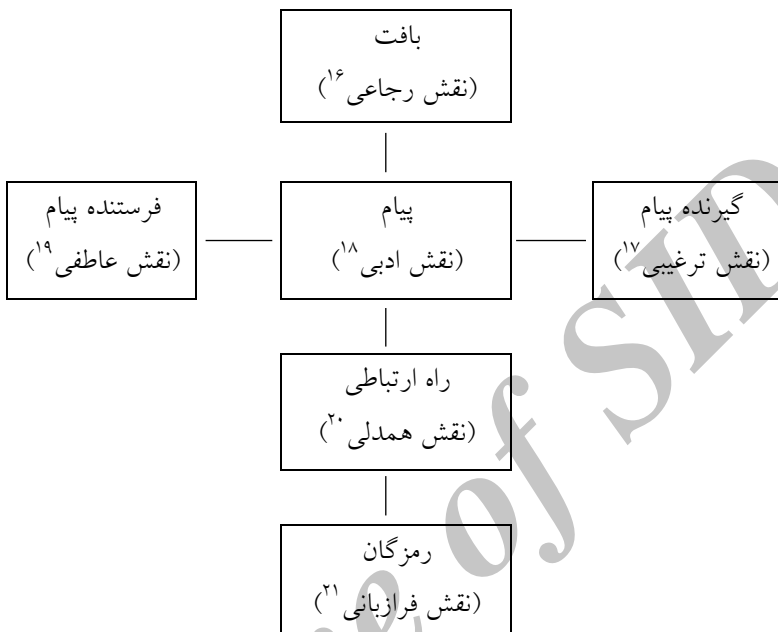
نیز نیاز دارد؛ مجرای فیزیکی و پیوندی روانی میان فرستنده و گیرنده که به هر دوی آنان امکان می‌دهد با یکدیگر ارتباطی کلامی برقرار کنند. یاکوبسن الگوی ارتباطی خود را به شش نقش زبان، پیوند می‌زند (جدول ۱ و نمودار ۱ را ببینید):

جدول ۱: نقش‌های زبانی الگوی ارتباطی یاکوبسن (۱۹۶۰: ۳۵۶)

نقش	عنصر ارتباطی
ادبی	پیام
عاطفی	فرستنده پیام (نویسنده یا شاعر)
ترغیبی	گیرنده پیام (مخاطب - خواننده)
فرازبانی	رمز (قواعد و هنجارهای زبان)
ارجاعی	زمینه ارتباط (موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی)
همدلی	راه ارتباطی تماس (کلمات یا اصوات)

یاکوبسن الگوی خود را در یک جمله خلاصه می‌کند: "فرستنده پیامی را برای گیرنده می‌فرستد" (سیبویک^{۱۵}، ۱۹۶۰: ۳۵۳). در این تعریف نقش فعال هر دو طرف فرستنده و گیرنده آشکار است؛ فرستنده پیام را می‌فرستد و گیرنده آن را دریافت می‌کند. یاکوبسن تأکید می‌کند که این الگو در تمام کنش‌های ارتباطی کلامی (و از روی مسامحه، دعاها) مصداق دارد. مطابق نمودار ۱، در این الگو برای برقراری ارتباط، شش عنصر اساسی وجود دارد که هر یک از عناصر شش‌گانه، کارکردهای ارتباطی مشخصی را به خود اختصاص می‌دهند. با توجه به این که در بحث دعا و سپاس یک سمت خداوند متعال و در سمت دیگر افراد قرار دارند، از این الگوی ارتباطی می‌توان استفاده کرد؛ البته این در مورد هرگونه خواهش، دعا، و تمنا می‌تواند درست باشد و به ستایش و شکرگزاری خداوند محدود و منحصر نمی‌شود، اما در اینجا تمرکز بر رابطه خالق و مخلوق است. هر چند برخی مطالعات که در زمینه‌ی ارتباط بین خدا و بندگان انجام شده است، با ذکر این مسئله که ذات الوهیت لا یتغیر است، نقش ترغیبی را برای خداوند جایز ندانسته‌اند و بنابراین الگوی ارتباطی یاکوبسن را به چهار نقش فروکاسته‌اند (حری، ۱۳۸۷: ۷۶)، اما در سوره غافر آیه ۶۰ اشاره شده است که (ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) (بیخوانید مرا تا اجابت گویم شما را)، و همچنین در سوره ابراهیم آیه ۷ آمده است که (وَلَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ) (اگر شکرگزاری کنید، نعمت خود را) بر شما خواهم افزود. هر چند در برخی مطالعات انجام شده، نسبت دادن برخی نقش‌ها از جمله نقش ترغیبی به خداوند متعال مورد انتقاد قرار گرفته

است (برای مثال ببینید: حری، ۱۳۸۷: ۷۱-۹۳)، اما آیات مورد اشاره در این مطالعه وجود نقش ترغیبی مربوط به گیرنده پیام (نه به گوینده/ فرستنده) را آشکار می‌کنند.



نمودار ۱: الگوی ارتباطی یاکوبسن (۱۹۶۰)

این الگوی کلی، در تمام کنش‌های ارتباطی کلامی مصداق دارد و بنابراین در تحلیل مواردی که گیرنده پیام خداوند باشد، نیز امکان استفاده از الگوی یاکوبسن وجود دارد. به دیگر سخن، خداوند به عنوان دریافت‌کننده پیام چه از طریق شکر و چه دعا ترغیب می‌شود و بندگان خود را از طریق کائنات یاری می‌رساند. از آنجا که در طبقه‌بندی کولماس قدردانی در چهار محور دو بخشی ارائه شده است، می‌توان آیات مرتبط با شکر و حمد در قرآن کریم را با استفاده از آن نیز بررسی کرد. لذا در ادامه به این طبقه‌بندی اشاره می‌شود.

16. Referential

17. Conative

18. Poetic

19. Emotive (alternatively called "Expressive" or "Affective")

20. Phatic

21. Metalingual (alternatively called "Metalinguistic" or "Reflexive")

۲-۲-۲- طبقه‌بندی کولماس ۲۲

محتوای هر بیان صادقانه و جدی در ابراز قدردانی، به عمل یا نتیجه‌ی عمل فرد ارائه دهنده آن منفعت برمی‌گردد (کولماس، ۱۹۸۱: ۷۴). رده‌بندی کولماس از کنش گفتاری قدردانی در چهار محور دو بخشی بیان شده است:

جدول ۲: چهار محور رده بندی شکر از نظر کولماس (۱۹۸۱)

۱- الف) تشکر پیشاپیش (برای قول‌دادن، تعارف‌کردن، دعوت‌کردن)
۱- ب) تشکر پس از رویداد (انجام یک کار، بعد از مراسم دعوت شده)
۲- الف) تشکر به خاطر مسائل مادی (هدیه، خدمت)
۲- ب) تشکر به خاطر مسائل غیرمادی (آرزو، تمجید، تبریک، اطلاع‌دادن)
۳- الف) تشکر به خاطر عملی که آغازکننده آن خود فرد مقابل بوده است
۳- ب) تشکر به خاطر عملی که در نتیجه درخواست، خواهش، یا دستور فرد متقاضی است
۴- الف) تشکری که بر احساس دین ^{۲۳} اشاره دارد
۴- ب) تشکری که بر احساس دین اشاره ندارد

در ادامه برای هر یک از این محورها یک مثال ارائه شده است: ۱- الف) تشکر پیشاپیش: از این که من را هم به مهمانی فردا دعوت کرده‌اید واقعا تشکر می‌کنم- ۱- ب) تشکر پس از رویداد: از این که قبول زحمت فرمودید و مجددا این نشست را برگزار کردید سپاس‌گزاریم- ۲- الف) تشکر به خاطر مسائل مادی: ممنون بابت شام، خیلی خوشمزه بود- ۲- ب) تشکر به خاطر مسائل غیرمادی: ممنون بابت وقت و توجه شما- ۳- الف) تشکر به خاطر عملی که آغازکننده آن خود فرد مقابل بوده است: ممنون واقعا؛ نباید به خودتون زحمت می‌دادین. اصلا انتظارش رو نداشتم- ۳- ب) تشکر به خاطر عملی که در نتیجه درخواست، خواهش، یا دستور فرد متقاضی است: از این که اون مساله رو این قدر سریع پیگیری کردید، خیلی متشکرم؛ کارمندی به خوبی شما برای ما نعمت است- ۴- الف) تشکری که بر احساس دین اشاره دارد: نمی‌دونم چه جوری این لطف شما رو جبران کنم؛ واقعا به این پول نیاز داشتم- ۴- ب) تشکری که بر احساس دین اشاره ندارد: لطفا درب را پشت سرتون ببندین،

22. Coulmas' Taxonomy

23. Indebtedness

منون. کولماس (۱۹۸۰: ۹۱-۶۹) تاکید دارد که این تقسیم‌بندی یک رده‌بندی نهایی و قابل تعمیم نیست و نیاز به شرایط دیگری مانند مقیاس سنگینی^{۲۴}، احساس می‌شود^{۲۵}. از آنجا که شکرگزاری یکی از عوامل مهم تقویت‌کننده ارتباط است، در رابطه بین انسان و خالق هستی نیز این تقویت ارتباط از راه حمد و شکر دیده می‌شود. الگوی ارتباطی یا کوبسن برای بررسی این دو واژه در قرآن انتخاب شده است، که در آن فرستنده پیام (یا شکرگزار) انسان و دریافت‌کننده پیام (یا پاسخ‌دهنده) خداوند متعال است. همچنین از الگوی رده‌بندی کولماس (۱۹۸۱) برای تقسیم‌بندی انواع شکرگزاری در آیات قرآن استفاده می‌شود.

۲-۲-۳- پیشینه

تعدادی پژوهش در زمینه شکر و حمد در قرآن کریم انجام شده است. از مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی می‌توان به مطالعه مصلابی‌پور و تاجیک (۱۳۹۳) اشاره کرد که در آن به بررسی مفاهیم متقابل مفهوم شکر و کفر می‌پردازند. در این مقاله با کشف مفاهیم واسطه و معانی آن‌ها در این شبکه استنباط می‌گردد که شکر در حوزه مفاهیم دینی - اخلاقی تعریف شده است، به نحوی که حدود متمایزی میان اخلاقی و اعتقادی بودن مفاهیم مرتبط با هم در این شبکه قابل تبیین نیست. حاجی‌اسماعیلی (۱۳۹۱) با بازخوانی اندیشه تفسیری مفسران پیرامون تسبیح خداوند همراه با حمد در قرآن ابتدا مفهوم دو واژه تسبیح و حمد را بررسی می‌کند. سپس در پاسخ به این پرسش که چرا خداوند در مقام نزهت ذات خویش تسبیح را با حمد قرین ساخته و آیا مجموعه آفرینش نیز تسبیح‌گوی ذات خداوند است و آیا این تسبیح به زبان حال (زبان دل) است یا زبان قال (صرف گفتار)؛ تصریح می‌کند که تسبیح موجودات در جهان هستی مبتنی بر زبان قال است. شعبان‌زاده (۱۳۸۹) معانی شکر را از دیدگاه قرآن و احادیث و لغویین و مفسرین و متکلمین و عرفا مورد بررسی قرار داده است. معنی شکر در این پژوهش از میان متن‌های مختلف مانند قرآن و روایات و کتب اخلاقی شیعه از قدیمی‌ترین تا عصر حاضر با تحلیل محتوایی کتب صورت گرفته است. در این پژوهش آثار و پیامدهای شکرگزاری از دو جنبه دنیوی و اخروی مورد توجه قرار گرفته است. جنبه دنیوی شکرگزاری شامل آثار مادی و آثار معنوی است.

24. Weightiness

۲۵ - مقیاس سنگینی به میزان دشواری و تحمیل کار مورد تقاضا به فرد مقابل، میزان آشنایی دو طرف، و جایگاه اجتماعی طرف مقابل (شنونده) اشاره دارد (داتلر (Duthler)، ۲۰۰۶)؛ به عنوان مثال درخواست مبلغ اندکی پول از یک فرد میزان سنگینی کمتری دارد تا این که از وی بخواهیم که به عنوان مثال ما را در جایی استخدام کند یا منزلش را بدون دریافت پول در اختیار ما قرار دهد.

از جمله فراوانی و بقای نعمت، هدایت به صراط مستقیم، تقوآمداری، محبت، امیدواری، دوری از محرّمات، انفاق و افزایش ظرفیت‌های بشری. از جهت اخروی نیز شکرگزاری آثاری را برای فرد به همراه دارد، از جمله رضای الهی، تخفیف در روز جزا و در نهایت وارد شدن به بهشت که پاداش شاکرین واقعی است. آن چه در موقعیت ارتباطی نیاز به توجه دارد، این است که به کمک نحو، معناشناسی و کاربردشناسی زبان، زمینه‌ی ورود به تحلیل گفتمان دینی و متون دین‌شناختی^{۲۶}، فراهم شود (حری، ۱۳۸۷: ۷۳).

از مهم‌ترین مطالعات خارجی اخیر مرتبط نیز می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد. **کراوزه^{۲۷}** و **همکاران (۲۰۱۷)** تفاوت مردان و زنان نسبت به ابراز قدردانی، شکر و حمد را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که زنان نسبت به خداوند متعال سپاس‌گزارتر هستند. طبق یافته‌های آن‌ها احساسات قوی‌تر نسبت به ابراز قدردانی با سطح پایین هموگلوبین همراه است. با این حال، این رابطه برای مردان و زنان متفاوت نیست و در مقابل، احساس افتخار به پروردگار در میان زنان با سطح هموگلوبین پایین‌تر مرتبط است. **توراکال^{۲۸}** و **همکاران (۲۰۱۶)** نقش تحول معنوی در شکرگزاری را بررسی نمودند. نتایج این پژوهش نشان داد که معنویت با قدردانی همبستگی متوسطی دارد. این مطالعه نشان می‌دهد که افرادی که به آگاهی از حضور خدا اعتقاد دارند، بسیار سپاس‌گزار هستند. حمایت از سایر انسان‌ها کمک می‌کند که در زندگی احساس عمیق‌تری از معنویت دینی داشته باشند، افرادی که معنای عمیق‌تری از معرفت را از طریق ایمان خود پیدا کرده‌اند، نسبت به خدا سپاس‌گزارتر خواهند بود. **کراوزه و همکاران (۲۰۱۵)** ارتباط سلامت جسمانی و جنبه‌های زندگی اجتماعی را با تصویر خیرخواهانه خداوند بررسی کردند. بر اساس نتایج آن‌ها افرادی که بر این باورند که خداوند خیرخواه آن‌ها است، بیشتر شکرگزار و در نتیجه امیدوارتر خواهند بود. **کراوزه و بروس (۲۰۱۵)** ارتباط بین افسردگی و شکرگزاری را بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسند که افرادی که بیشتر به کلیسا [یا مسجد] می‌روند، با احتمال بیشتری در کارهای داوطلبانه مشارکت دارند؛ افرادی که در کلیسا کار داوطلبانه انجام می‌دهند، و کسانی که حمایت بیشتری از همکاران مذهبی دریافت می‌کنند، بیشتر از خدای متعال سپاس‌گزار خواهند بود. در نهایت آن‌ها تاکید می‌کنند افرادی که شکرگزار خداوند هستند، سلامت بیشتر و علائم افسردگی کمتری را تجربه می‌کنند.

26. Theological discourse analysis

27. Krause

28. Thurackal

با وجود مطالعات قابل توجه مرتبط با شکرگزاری و حمد خداوند، بررسی این مهم در کتاب آسمانی مسلمانان، به طور محدودتری انجام شده است. آن دسته از پژوهش‌هایی هم که مسئله شکرگزاری و حمد در قرآن کریم را مورد ارزیابی قرار داده‌اند (مانند مواردی که ذکر شد)، رویکرد زبان‌شناختی نداشته‌اند. از این رو، مطالعه حاضر به عنوان یکی از اولین پژوهش‌هایی است که با استفاده از الگوی ارتباطی یاکوبسن (۱۹۶۰) و رده‌بندی کولماس (۱۹۸۱: ۹۱-۶۹) به تبیین دو واژه حمد و شکر در آیات قرآن پرداخته می‌پردازد.

۳- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - اکتشافی است. هدف اصلی در چنین پژوهش‌هایی، شناخت وضعیتی است که درباره آن آگاهی‌های لازم وجود ندارد. در این پژوهش ضمن جستجوی آیات مرتبط با شکر و حمد در قرآن کریم به کمک نرم‌افزار قرآنی بیان و نرم‌افزار تفسیر نمونه و تفسیر المیزان و چند تارنمای قرآنی^{۲۹}، از طریق یادداشت‌برداری به گردآوری اطلاعات پرداخته شد. سپس با مشورت دو تن از متخصصان علوم قرآنی و دانشگاهی، نقش ارتباطی بین خداوند و انسان در چارچوب الگوی ارتباطی یاکوبسن و همچنین طبقه‌بندی شکر در آیات قرآن بر اساس رده‌بندی کولماس تبیین گردید.

۴- یافته‌های پژوهش

با جستجوی برخط^{۳۰} ریشه دو واژه شکر و حمد در تارنمای الکتاب، کلمات مشتق شده در قرآن، و ریشه‌های مرتبط با هر واژه استخراج و سپس مکی و مدنی بودن سوره‌های مورد مطالعه لحاظ شد. بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که سوره‌هایی که با لفظ (الحمد لله) آغاز می‌شوند و آیات اول سوره‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، تعداد ۵ مورد (شامل حمد، انعام، کهف، سبأ و فاطر) است؛ همچنین آیاتی که با عبارت (الحمد لله الذی) آغاز شده‌اند ۱۰ مورد در ۱۰ آیه و آن‌ها که با عبارت (الحمد لله رب العالمین) ۴ مورد در ۴ آیه است. شایان ذکر است که در این پژوهش صرفاً آیه‌هایی مطالعه شده‌اند که در آن‌ها برقراری ارتباط بین گوینده/فرستنده و شنونده/گیرنده پیام و به عبارتی خود عمل شکرگزاری در آیات قرآن مشهود است. بنابراین آیاتی که تنها دو واژه شکر و حمد و مشتقات آن‌ها ذکر شده بدون این که بحث ارتباط مطرح باشد، از بررسی پژوهش حاضر خارج شده‌اند.

29. alketab.org; ghorany.com; tanzil.net

30. online

۱-۴- مشتقات حمد

واژه حمد و مشتقات آن در قرآن کریم ۶۸ بار ذکر شده است، که این تعداد در آیات ۴۳ سوره قرآن کریم مشاهده گردید (جدول ۳).

جدول ۳: بسامد واژه حمد و مشتقات آن در قرآن کریم

واژه	بسامد در قرآن	واژه	بسامد در قرآن
الْحَمِيدِ	۴	الْحَمْدُ	۲۸
بِحَمْدٍ	۱۰	بِحَمْدِكَ	۱
مَحْمُوداً	۱	حَمِيدٌ	۵
الْحَمِيدُ	۶	مُحَمَّدٌ (ضمه)	۳
حَمِيدٍ	۱	يُحْمَلُونَ	۱
مُحَمَّدٍ (كسره)	۱	حَمِيداً	۱
أَحْمَدٌ	۱	الْحَامِدُونَ	۱
بِحَمْدِهِ	۴		

آنچه در جدول ۳ مشخص است واژه الْحَمْدُ با ۲۸ بار تکرار بیشترین فراوانی را در قرآن کریم داشته است و پس از آن واژه‌های بِحَمْدٍ و الْحَمِيدُ به ترتیب با ۱۰ و ۶ بار تکرار در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

۲-۴- مشتقات شکر

واژه‌ی شکر و مشتقات آن در قرآن کریم ۷۵ بار ذکر شده است، که این تعداد در آیات ۳۵ سوره قرآن کریم مشاهده گردید (جدول ۴).

جدول ۴: فراوانی واژه شکر و مشتقات آن در قرآن کریم

واژه	بسامد در قرآن	واژه	بسامد در قرآن
شُكْرًا	۱	تَشْكُرُونَ	۱۹
شَكُور	۴	اشْكُرُوا	۵
شُكُورًا	۱	شَاكِرٌ	۱
مَشْكُورًا	۲	يَشْكُرُونَ	۹
شَاكِرُونَ	۱	الشَّاكِرِينَ	۷

۲	شَكَرْتُمْ	۲	شُكُوراً
۳	شَاكِرًا	۲	أَشْكُرَ
۱	بِالشَّاكِرِينَ	۱	أَشْكُرُ
۱	شَاكِرِينَ	۲	شَكَرَ
۱	شُكْرًا	۲	يَشْكُرُ
۱	الشُّكُورُ	۲	اشْكُرْ
۴	شُكُورٌ	۱	يَشْكُرُ
۱	تَشْكُرُوا	۴	شُكُور
		۱	شُكُوراً

طبق جدول ۴ واژه‌های (تَشْكُرُونَ، يَشْكُرُونَ و الشَّاكِرِينَ) به ترتیب با ۱۹، ۹ و ۷ بار تکرار، بیشترین فراوانی را دارند.

۵- بحث و تحلیل آیات مرتبط با الگوهای یاکوبسن و کولماس

ابتدا با استفاده از یک تارنمای قرآنی^{۳۱} مشتقات واژه شکر و حمد استخراج شد. سپس با بررسی محتوایی-معنایی هر یک، مطابقت آن‌ها با الگوی یاکوبسن و کولماس مورد بررسی قرار گرفت. در بین این واژه‌ها مواردی که در آن‌ها عمل شکرگزاری رخ داده است، در چارچوب تحلیل یاکوبسن (۱۹۶۰) و کولماس (۱۹۸۱) قرار می‌گیرند، و به همین دلیل فقط به توضیح آنها پرداخته شد. شایان ذکر است که یکی از ترجمه‌های فارسی قرآن که قلم روان و دقیقی دارد، و برای تمام اقشار جامعه قابل فهم است (صفوی، ۱۳۹۱) ترجمه فارسی مکارم شیرازی است که برگرفته از تفسیر ۲۷ جلدی نمونه می‌باشد. لذا در بررسی آیات منتخب، ترجمه مکارم شیرازی مورد استفاده قرار گرفت. از مجموع آیات در چهار آیه به عمل حمد و شکرگزاری اشاره شده است، که در ادامه به بحث و تحلیل بیشتر هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود. قابل ذکر است که این آیات در سوره‌ی بقره (آیه ۱۵۸ با واژه شاکر، و آیه ۳۰ با واژه بِحَمْدِكَ)، سوره‌ی اسرا (آیه ۳ با واژه شکورا)، و سوره‌ی رعد (آیه ۱۳ با واژه بِحَمْدِهِ) قرار دارند. سوره بقره، مدنی است؛ سوره رعد (سیزدهمین سوره قرآن) نیز مدنی است؛ و سوره اسرا (هفدهمین سوره) مکی است.

۵-۱- آیه ۱۵۸ سوره بقره

(إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ) («صفا» و «مروه» از شعائر (و نشانه‌های) خداست! بنابراین، کسانی که حج خانه خدا و یا عمره انجام می‌دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند؛ (و سعی صفا و مروه انجام دهند. و هرگز اعمال بی‌رویه مشرکان، که بت‌هایی بر این دو کوه نصب کرده بودند، از موقعیت این دو مکان مقدس نمی‌کاهد!) و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار و آگاه است). در این آیه واژه "شاکر" آمده است و ملاحظه می‌شود که خداوند به عنوان شاکر معرفی شده است. در پایان آیه ۱۵۸ سوره بقره اشاره شده که افرادی که کار نیک به عنوان اطاعت از خدا انجام دهند خداوند شاکر و علیم خواهد بود. شکر چنان‌چه از بنده باشد اداء حق نعمت است از خداوند هم اداء حق طاعت و عبادت و انقیاد است (ثقفی تهرانی، ج ۱: ۲۰۳). به دیگر سخن، در برابر اطاعت و انجام کار نیک، خداوند به وسیله پاداش نیک از اعمال بندگان تشکر می‌کند، و از نیت‌های آن‌ها به خوبی آگاه است. همان‌طور که در تفسیر نمونه نیز اشاره شده است، باید توجه داشت که ارسال پیام قدردانی از طرف پروردگار تعبیر لطیفی است که از نهایت احترام خداوند به اعمال نیک انسان‌ها حکایت می‌کند؛ جایی که او در برابر اعمال بندگان شکرگزار باشد تکلیف آن‌ها در برابر یکدیگر و در برابر خداوند معلوم است (مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۴۶). ذکر این واژه در این آیه، بیانگر مبالغه‌ی احسان خدا در حق بندگان است و برای خداوند معنی جزا دهنده طاعت و کردار شایسته را دارد. در مقابل، گیرنده‌ی پیام کسی است که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند. خداوند به عنوان فرستنده‌ی پیام قدردانی می‌تواند بزرگترین لطف از جانب وی نسبت به بندگان باشد. ارسال پیام شکر را به نوعی می‌توان جواب جمله شرط دانست و تعبیر به سپاس‌گزار بودن از باب لطف و عنایت است و گرنه کسی نعمتی به خدا نمی‌دهد و نفعی از اعمال کسی عاید خدا نمی‌شود که شکر و قدردانی آن را بجای آورد. این بدان معنا است خداوند به اعمال بندگان جزای نیکو می‌دهد و عالم به افعال آن‌ها است و هیچ فعلی را بدون جزا نمی‌گذارد و عمل خیری در پیشگاه او از بین نمی‌رود (طیب، ج ۲: ۲۶۵). طبق الگوی یاکوبسن، خداوند به عنوان فرستنده پیام و دارای نقش عاطفی است، و بنده به عنوان دریافت‌کننده پیام است، که در مقابل کارهای نیک، این قدردانی را دریافت می‌کند. آیات الهی بر پیامبر اسلام نازل شده‌اند، بنابراین راه ارتباطی، وحی می‌باشد، و نقش همدلی که در الگوی ارتباطی یاکوبسن برای این راه ارتباطی می‌توان در نظر گرفت،

خضوع و خشوع بنده نسبت به خداوند متعال است. همچنین، طبق الگوی رده‌بندی کولماس، با توجه به این که تشکر به خاطر عملی است که در نتیجه درخواست، خواهش، یا دستور فرد متقاضی بوده است، در محور سوم (۳-ب) قرار می‌گیرد. نمودار ۲ این مطلب را بهتر نشان می‌دهد:



نمودار ۲: الگوی یاکوبسن در مورد آیه ۱۵۸ سوره بقره (منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

۵-۲- آیه ۳ سوره اسراء

(ذُرِّيَّةً مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا: ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم، او بنده شکرگزاری بود). واژه (شکورا) (به فتح شین) در آیه ۳ سوره اسراء آمده است که به شکرگزاری حضرت نوح اشاره دارد. در این مورد شکرگزار یا فرستنده پیام با نقش عاطفی، حضرت نوح است و دریافت‌کننده یا گیرنده پیام خداوند متعال است که نقش ترغیبی دارد. در نقش ترغیبی زبان، جهت‌گیری پیام به سمت شنونده (مخاطب) است. گوینده پیامی را به شنونده منتقل می‌کند که به کش از سوی شنونده منجر می‌شود. شکل بارز نقش ترغیبی را می‌توان در جملات امری مشاهده کرد

و در بعضی موارد جملات خبری نیز می‌توانند از نقش ترغیبی برخوردار باشند. بر این اساس می‌توان این طور استنباط کرد که شکرگزار بودن نوح (ع) مقدمه‌ای بر برخورداری وی و همراهانش از الطاف الهی در قالب سوار شدن بر کشتی است. طبق روایت ابوالفتح رازی و همچنین به نقل از امام صادق (ع)، حضرت نوح (ع) در هر صبح و شام از جمله هنگام غذا خوردن، آشامیدن آب، پوشیدن جامه و قضای حاجت همواره فرستنده پیام قدردانی بوده است (حسینی شاه‌العظیمی، ج ۷: ۳۲۸). با وجود اینکه در اینجا فرستنده پیام حضرت نوح (ع) است، چون همگان مشمول نعمت هستند، تاکید بر عبادت و شکرگزاری همگان به تبع ایشان است (ثقفی تهرانی، ج ۳: ۳۴۲). به بیان دیگر، باید در نظر داشت که "نوح بنده شکرگزاری بود" و انسان‌ها که فرزندان یاران نوح هستند، چرا به همان برنامه نیاکان با ایمان تان اقتدا نکنند؟ از آنجا که آیات الهی بر پیامبر نازل شده‌اند، راه ارتباطی وحی می‌باشد، و نقش همدلی همان خضوع و خشوع است. راه ارتباطی، کلام حضرت نوح بوده که در برابر خداوند بیان کرده است، و نقش همدلی دارد. نقش ارجاعی بافت نیز به موقعیتی اشاره دارد که حضرت نوح در برابر امر الهی تسلیم و شکرگزار است. نوع شکر در چارچوب کولماس در محور شکرگزاری بعد از رویداد قرار دارد چرا که خداوند حضرت نوح و خاندان وی را بر کشتی قرار می‌دهد، جان آنان را نجات می‌بخشد، و حضرت نوح شکرگزار است.

۵-۳- آیه ۳۰ سوره بقره

(وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ: به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت من در روی زمین، جانشینی قرار خواهم داد، فرشتگان گفتند: پروردگارا آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟ ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم و تو را تقدیس می‌کنیم. خداوند فرمود من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. واژه "بحمدک" در آیه ۳۰ سوره بقره آمده است. این آیه تا آیه ۳۹ سه مطلب اساسی را در بردارد (مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، ۱۳۸۶، ج ۱: ۶۰): اولین نکته خبر پروردگار به فرشتگان راجع به خلافت و سرپرستی انسان در زمین است. نکته دوم دستور خضوع و تعظیم فرشتگان در برابر نخستین انسان است. سومین نکته به تشریح وضع آدم و زندگی او در بهشت و حوادثی که منجر به خروج او از بهشت گردید و سپس توبه آدم، و زندگی او و فرزندان او در زمین برمی‌گردد. بحث مرتبط با مقاله حاضر بر نکته‌ی دوم اشاره دارد. از آنجا که تحلیل آیه ۳۰ سوره، به آیات مجاور وابسته است، آیات بعدی نیز مدنظر قرار گرفته است.

در این آیه فرشتگان به عنوان فرستنده پیام نقش عاطفی داشته و خداوند نقش گیرنده پیام را دارد. فرشتگان خدا را حمد می‌کنند، لذا خود پیام، شکر است، و رمزگان، وحی بین فرشته و خداوند است. نقش همدلی مربوط به راه ارتباطی را می‌توان خضوع و خشوع فرشتگان در برابر ذات الهی در نظر گرفت. همچنین، موقعیت ارتباطی، لحظه قبل از خلقت انسان است که در آن فرشتگان از لحظه‌ای که آفریده شده بودند به حمد و سپاس پروردگار مشغول بوده‌اند. لذا نوع حمد و شکرگزاری با توجه به رده‌بندی کولماس، در (محور ۱-ب) یعنی تشکر پس از رویداد آفرینش (و برخورداری فرشتگان از رحمت و فیاضیت خداوند) قرار می‌گیرد.

۵-۴- آیه ۱۳ سوره رعد

(وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ) و رعد، تسبیح و حمد او می‌گوید؛ و (نیز) فرشتگان از ترس او! و صاعقه‌ها را می‌فرستند؛ و هر کس را بخواهد گرفتار آن می‌سازد، در حالی که آن‌ها با مشاهده این همه آیات الهی، باز هم درباره‌ی خدا به مجادله مشغولند! و او قدرتی بی‌انتهای (و مجازاتی دردناک) دارد! در تفسیر نور اشاره شده است که در فرهنگ قرآن، براساس علم و شعور و انتخاب کل هستی در حال تسبیح خداوند هستند (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۳۲۸). استفاده از واژه‌هایی مانند «سبح» و «یُسَبِّحُ» در این آیه، صراحتاً به این مسئله اشاره دارد. به دیگر سخن، چنان که در ذکر رکوع و سجود نیز چنین می‌گوییم، در اینجا تسبیح و حمد الهی در کنار هم قرار گرفته‌اند (همان). در این آیه به رعد و فرشتگان به عنوان دو فرستنده پیام اشاره شده است. رعد در مقام حمدکننده خداوند ظاهر شده است و لذا می‌توان آن را فرستنده پیام در نظر گرفت. با توجه به واژه "بحمد" در این آیه دو فرستنده پیام وجود دارد: رعد و فرشتگان. رعد در مقام حمدکننده خداوند ظاهر شده است، لذا به عنوان فرستنده پیام در نظر گرفته می‌شود. غرض رعد به عنوان رمزگان و راه ارتباطی غیرکلامی است. در مورد فرشتگان نیز گیرنده پیام خداوند متعال است، که از بیم وی را حمد می‌کنند. این انتقال بیان از راه وحی و ذکر فرشتگان صورت می‌گیرد. رکوع و سجود فرشتگان به درگاه خدا به نشانه حمد، نشان دهنده خضوع و خشوع (همراه با بیم و ترس) آنها بوده، و نقش همدلی را می‌رساند. همچنین، نوع شکرگزاری در این آیه در محور سوم طبقه‌بندی کولماس قرار می‌گیرد (با توجه به جدول ۲)، زیرا تشکر به خاطر عملی است که آغاز کننده آن خود فرد مقابل بوده است.

۶- نتیجه

هر فرد در هر مقام و منزلت علمی و اجتماعی، این انتظار را دارد که در برابر یک عمل پسندیده یا خدمتی که انجام می‌دهد، از وی تشکر شود. با آن که خداوند وجودی بی‌نیاز از پرستش و سپاس است، از انسان‌ها خواسته است تا به عنوان وظیفه و تکلیف در برابر نعمت‌ها، و فزونی نعمت‌ها شکرگزار باشند. از این‌رو، با هدف ورود به تحلیل گفتمان دینی و متون دین‌شناختی، واژه‌های حمد و شکر در آیات قرآن کریم با استفاده از الگوی ارتباطی یاکوبسن (۱۹۶۰) و رده‌بندی کولماس (۱۹۸۱) بررسی گردید. خداوند به عنوان دریافت‌کننده پیام، چه از طریق شکر و چه دعا ترغیب می‌شود و بندگان خود را از طریق کاینات یاری می‌رساند. ملاحظه شد که الگوی ارتباطی یاکوبسن، در تمام کنش‌های ارتباطی کلامی و از جمله در مواردی که گیرنده پیام، خداوند است نیز می‌تواند قابلیت کاربرد و استفاده داشته باشد. به این منظور آیات مرتبط با شکر و حمد در قرآن کریم با استفاده از الگوی رده‌بندی کولماس بررسی گردید. پس از تبیین دقیق مفاهیم حمد و شکر، فراوانی مشتقات این واژه‌ها در کل قرآن کریم استخراج گردید. داده‌ها نشان داد در قرآن کریم واژه شکر و مشتقات آن به تعداد ۷۵ بار و واژه‌ی حمد و مشتقات آن به تعداد ۶۸ بار تکرار شده است. در مرحله بعد، از الگوهای یاکوبسن و کولماس جهت تحلیل این واژه‌ها استفاده شد. در بررسی آیات، از ترجمه مکارم شیرازی و کتاب‌های تفسیر نور، اثنی‌عشری، روان جاوید، اطیب‌البیان و نمونه استفاده شد. در بین واژه‌های مشتق برای دو واژه شکر و حمد، تنها مواردی که در آن‌ها عمل شکرگزاری رخ داده است، در چارچوب این دو الگو قرار گرفتند. در پاسخ به سوالات پژوهش مشخص گردید که در چهار آیه از قرآن کریم به طور مستقیم به عمل حمد و شکرگزاری اشاره شده است. در آیه ۱۵۸ سوره بقره خداوند به عنوان شکرگزار یا فرستنده پیام معرفی شد. آیه ۳ سوره اسراء اشاره به شکرگزاری حضرت نوح داشت که در آن فرستنده پیام با نقش عاطفی، حضرت نوح و دریافت‌کننده یا گیرنده پیام خداوند متعال با نقش ترغیبی بود. در آیه ۳۰ سوره بقره، فرشتگان به عنوان فرستنده پیام نقش عاطفی و خداوند نقش گیرنده‌ی پیام را داشت. در آیه ۱۳ سوره رعد نیز به رعد و فرشتگان به عنوان دو فرستنده پیام اشاره شد. رعد در مقام حمدکننده خداوند ظاهر شده و لذا به عنوان فرستنده پیام در نظر گرفته شد. طبق رده‌بندی کولماس، آیه ۱۵۸ سوره بقره، نوع شکر در محور (۳-ب) قرار گرفت، یعنی تشکر به خاطر عملی که در نتیجه درخواست، خواهش، یا دستور فرد متقاضی است. در آیه ۳ سوره اسراء، و همچنین در آیه ۳۰ سوره بقره، نوع شکر در محور (۱-ب) یعنی شکرگزاری پس از رویداد قرار گرفت. در آیه

۱۳ سوره رعد، تشکر به خاطر عملی بود که آغاز کننده آن خود فرد مقابل بوده و لذا در محور (۳- الف) قرار گرفت. با توجه به رده‌بندی کولماس مشخص شد که این چهار نوع شکرگزاری صورت زیر است: دو مورد شکرگزاری از نوع پس از رویداد است یعنی بعد از دریافت لطف و نعمت عمل شکر رخ داده است؛ یک نوع شکرگزاری از این چهار مورد، به خاطر عملی که آغاز کننده آن خود فرد مقابل بود است. به بیان بهتر شما بدون درخواست یا انتظار مشمول دریافت لطف و یا چیزی قرار گرفته اید. و در نهایت یک نوع شکرگزاری هم در این رده قرار دارد که به خاطر عملی که در نتیجه درخواست، خواهش، یا دستور فرد متقاضی است، شکرگزاری صورت گرفته است. به طور کلی با استفاده از الگوی ارتباطی یاکوبسن مشاهده شد که هر چند به طور مکرر از واژه‌های شکر و حمد و مشتقات آن‌ها در قرآن کریم استفاده شده است، اما عمل شکرگزاری چهار آیه را شامل می‌شود، و نکته قابل‌تامل این است که تنها یک مورد آن به شکر انسان از خداوند اشاره دارد.

منابع

۱. ثقفی تهرانی، محمد، (۱۳۹۸ق)، تفسیر روان جاوید، تهران: انتشارات برهان، چاپ سوم.
۲. حاجی اسماعیلی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، «بازخوانی اندیشه تفسیری مفسران پیرامون تسیب به حمد در قرآن»، فصل‌نامه لسان صدق، دوره ۱، شماره ۳، گروه قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، صص ۱۹-۳۹.
۳. حری، ابوالفضل، (۱۳۸۷)، «افسون صوت و معنا در دعای آغازین سال نو به منزله اثری ادبی»، پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۴۳، صص ۷۱-۹۳.
۴. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، تهران: انتشارات میقات، چاپ اول.
۵. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، بیروت.
۶. شجاعی، زهره؛ گودرزی، محمدعلی؛ تقوی، سید محمدرضا، (۱۳۹۴)، «پیش‌بینی علائم اختلافات روانی بر مبنای ایمان مذهبی و شکرگزاری»، فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، دوره ۹، شماره ۳، صص ۴۳-۵۴.
۷. شعبان‌زاده، ماهرخ، (۱۳۸۹)، شکرگزاری و تأثیرات آن از دیدگاه قرآن و حدیث، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصول‌الدین تهران.
۸. صفوی، سیدمحمدرضا، (۱۳۹۱). "بهترین ترجمه قرآن در حال حاضر/ سبک ترجمه در انتقال مفاهیم چه نقشی دارد". فارس‌نیوز: ۱۳۹۱۱۱۱۵۰۰۴۱۶

9. [http://www.farsnews.com/printable.php? nn=](http://www.farsnews.com/printable.php?nn=)

۱۰. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، واژه «الحمد»، چاپ اول، ج ۳.
۱۱. طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۱۲. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۱۳. قرائتی، محسن، (۱۳۹۵)، قرآن کریم، ترجمه و تفسیر، تلخیص دوره ده جلدی تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ سوم.
۱۴. قرشی بنابی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، نشر تهران، دارالکتب الاسلامیه، در سه جلد.
۱۵. مختاری، حیدر و آزاد، اسدالله، (۱۳۸۷)، «تعیین و تبیین عناصر و ساختار ارتباط در نظام کتابخانه و پیشنهاد مدل ارتباط برای آن». فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره ۱ (پیاپی ۴۱): ۲۵۹-۲۷۸.
۱۶. مصلابی پور، عباس و تاجیک، الهه، (۱۳۹۳)، «حوزه معنایی شکر در قرآن کریم»، مطالعات قرآن و حدیث، ۸(۱۵): ۱۹۷-۲۲۰.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از فضلا، (۱۳۸۶)، برگزیده تفسیر نمونه، تنظیم احمد علی بابایی، تهران: دارالکتب اسلامی.

18. Asadi, H., Kajbaf, M.B., Kollahdoozan, S.A., Goodarzi, S., & HoseiniRazi, S. (2014). *Predictiveat the risk of mental disorders pattern on the based religious beliefs, social support, coping strategies and record of mental disorders*. Journal of Research in Psychological Health, 8(2), 21-30 [Persian].
19. Bühler, K. (1990). *Theory of language: The representational function of language*. (Vol. 25). John Benjamins Publishing.
20. Clore, G. L., Ortony, A., & Foss, M. A. (1987). *The psychological foundations of the affective lexicon*. Journal of personality and social psychology, 53(4), 1-751.
21. Coulmas, Florian. (1981). *Poison to your soul: thanks and apologies contrastively viewed*. In: Coulmas, F. (Ed.), *Conversational Routine*. Mouton, The Hague, pp. 69-91.
22. Desrochers, Josee M. (1987). *Structural Theory of Communication and Society by Abraham Moles: A Translation*. Thesis (M.A.), University of Arkansas, Fayetteville. Includes bibliographical references (leaf 136).

23. Duthler, K. W. (2006). The politeness of requests made via email and voicemail: Support for the hyperpersonal model. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 11(2), 500-521.
24. Jakobson, R. (1960). *Linguistics and poetics*. In *Style in language* (pp. 350-377). MA: MIT Press.
25. Krause, N., & Hayward, R. D. (2015). *Humility, compassion, and gratitude to God: Assessing the relationships among key religious virtues*. *Psychology of Religion and Spirituality*, 7(3), 1-192.
26. Krause, N., Bruce, D., Hayward, R. D., & Woolever, C. (2014). *Gratitude to God, Self? Rated Health and Depressive Symptoms*. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 53(2), 341-355.
27. Krause, N., Emmons, R. A., & Ironson, G. (2015). *Benevolent images of God, gratitude, and physical health status*. *Journal of religion and health*, 54(4), 1503.
28. Krause, N., Emmons, R. A., Ironson, G., & Hill, P. C. (2017). *General feelings of gratitude, gratitude to god, and hemoglobin A1C: Exploring variations by gender*. *The Journal of Positive Psychology*, 1-12.
29. McCullough, M. E., Emmons, R. A., & Tsang, J. (2002). *The grateful disposition: A conceptual empirical topography*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 112-127.
30. Sebeok, T. A. (1960). *Style in language*. Oxford, England: John Wiley. <http://dx.doi.org>
31. Shannon, C. E., & Weaver, W. (1949). *A Mathematical Model of Communication Urbana*. (IL: University of Illinois Press, 1949).
32. Schramm, Wilbur (1997). "how communication works" in: Wells, Alan; Hakanen, Ernest A.(eds). *Mass media and society*. London: Ablex Publishing Corporation, p: 54-63.
33. Thurackal, J. T., Corveleyn, J., & Dezutter, J. (2016). *Spiritual Development and Gratitude among Indian Emerging Adults*. *Archive for the Psychology of Religion*, 38(1), 72-88.